

معامله با خود

(۲)

فاطمه بحری *

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثروء شكاو علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصل دوم

ماهیت حقوقی معامله با خود

در مورد ماهیت حقوقی معامله با خود، نظریات مختلفی از جانب حقوقدانان ابراز گردیده است. برای آن که بتوانیم ماهیت واقعی معامله با خود را بشناسیم، ابتدا ضرورت دارد به عناصر تشکیل دهنده این نوع معاملات توجه نمائیم چرا که برای تحقق معامله با خود، یک یا دو طرف اصیل و وجود دو دارایی که قرار است در مقابل هم قرار گیرند و مبادله شوند و همچنین شخصی به عنوان نماینده، لازم و ضروری است. بنابراین به همین اعتبار می توان نظریات مختلف را در مورد ماهیت حقوقی معامله با خود به شرح ذیل دسته بندی و تشریح نمود:

گفتار اول - نظریه ایقاع بودن معامله با خود

برخی از حقوقدانان معتقدند معامله با خود یک نوع ایقاع است که آثار عقد را دارد. استدلال آنها این است که در این گونه معاملات در واقع یک اراده است که تصمیم گیری می نماید اما چون از دو طرف مستقل نمایندگی را گرفته است، آثار عقد را به خود می گیرد، یعنی ایقاعی است که به موجب نمایندگی آثار عقد را بین

دو اصل جاری می‌سازد.^۱

به نظر می‌رسد استدلال فوق صحیح نباشد. زیرا یک عمل حقوقی که برای تحقق، فقط به یک اراده نیاز دارد، نمی‌تواند موجد آثاری شود که برای تحقق این آثار وجود دو اراده را در اصل و اساس خود لازم دارد. هر چند ایقاع نیز همانند عقد، انشای اثر حقوقی است، اما این انشای اثر حقوقی مستقل است و هیچ وابستگی به انشای طرف دیگر نداشته، رابطه‌ای را بین دو اراده که لازمه هر معامله‌ای است به وجود نمی‌آورد.

ایراد دیگری که می‌توان بر نظریه ایقاع بودن معامله با خود گرفت، این است که اگر معامله با خود را ایقاع بدانیم، در آن صورت اصل عدم تملیک قهری را که قانون مدنی پذیرفته است، رد کرده‌ایم. زیرا از مواد مربوط به وقف و هبه و وصیت چنین استنباط می‌شود که یک شخص نمی‌تواند بدون قبول طرف مقابل، مالی را هر چند رایگان و مجانی به دیگری تملیک نماید.^۲

گفتار دوم - نظریه عقد بودن معامله با خود

برخی دیگر از حقوقدانان عقیده دارند که معامله با خود نوعی عقد است. اما همین گروه به لحاظ دو طرز تفکر کاملاً متفاوت از عقد بودن معامله با خود به دو دسته تقسیم شده‌اند. عده‌ای از آنها معامله با خود را ارتباط دو دارایی تلقی می‌نمایند و عده دیگر به تعدد اعتباری اراده‌ها در شخص واحد عقیده دارند. در ادامه به تشریح این نظریات می‌پردازیم:

الف) نظریه ارتباط داراییها در عقد بودن معامله با خود

پیروان این نظریه که به مکتب مادی و موضوعی شهرت و در حقوق آلمان طرفداران

۱. ناصر کاتوزیان، وقایع حقوقی، ج اول، نشر یلدا، ۱۳۷۱، ص ۸۲.

۲. مواد ۵۶، ۷۹۸ و ۸۲۷ قانون مدنی.

بسیاری دارد، عنصر اساسی معامله را موضوع آن دانسته و معتقدند معامله رابطه‌ای با شخصیت دو طرف آن ندارد بلکه به خودی خود امری است مادی که ارزشمند است و ارزش اقتصادی، موضوع معامله می‌باشد که رکن اصلی معامله را تشکیل می‌دهد. این عده از نویسندگان حقوقی معتقدند که عقد بیش از آن که دو اراده باشد و بیشتر از آن که عقد به توافق دو اراده بستگی داشته باشد، به ارتباط بین دو دارایی بستگی دارد. زیرا ایشان معتقدند که مفهوم معامله و عقد از آن چه در گذشته دور در روم حاکم بوده، خارج شده و اکنون مفهوم جدیدی یافته است. زیرا در حقوق روم تن اشخاص، وثیقه تعهد ایشان بود و چنانچه نمی‌توانست تعهد خود را انجام دهد به عنوان برده می‌بایست برای طلبکار (متعهد له) کار می‌کرد. اما در حقوق کنونی باید به مفهوم اجتماعی و مادی عقد تکیه نمود و نظر به این که دیگر اشخاص در عقد مطرح نیستند، پس شخص واحد نیز می‌تواند به نمایندگی از طرفین ارتباط دو دارایی را به وجود آورد.^۱

ب) نظریه تعدد اعتباری اراده‌ها در عقد بودن معامله با خود
پیروان این نظریه معتقدند که در معامله با خود هر چند یک شخص به تنهایی دخالت دارد و معامله را محقق می‌سازد، اما چون اراده‌ای مستقل دارد، نمی‌توان او را فقط در حکم وسیله‌ای برای ارتباط دو دارایی تلقی نمود.^۲
به نظر ما نیز بهتر است بگوییم یک تن با دو اعتبار در معامله دخالت می‌نماید که به مقتضای هر عنوان، می‌تواند اراده‌ای مستقل داشته باشد و به عبارت دیگر در معامله با خود، اراده شخص واحد جایگزین اراده طرفین می‌گردد و نماینده (شخص واحد) از طرف ایشان اقدام به معامله می‌نماید. بدین معنا که نماینده، یک

۱. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، ایقاع، ج اول، نشر یلدا، ۱۳۷۰، ص ۲ به بعد.

۲. عبدالرزاق احمد السنهوری، مصادر الحق، ج دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۹۵۲، ص ۱۷۹ به بعد.

بار به اعتبار موجب و یک بار به اعتبار قابل، معامله را انشا می‌نماید.^۱ در واقع نماینده هر دو انشا را در قلب خود محقق می‌سازد و لزومی ندارد حتماً آن را به لفظ یا فعل اظهار نماید.^۲ چرا که اراده، فعل نیست تا نماینده نتواند در عین حال دو یا چند اقدام را با هم انجام دهد، بلکه اراده یک کیفیت نفسانی است که پس از تحولاتی همچون تصور، تدبیر، اندیشه و تصمیم و اجرا محقق می‌گردد و آن چه به وسیله اراده انشایی محقق می‌گردد، اموری است که ما در اصطلاح از آنها به عنوان موجودات اعتباری نام می‌بریم. پس شخصی که قصد انشا می‌کند در واقع یک یا چند موجود اعتباری، ایجاد کرده و انشا می‌سازد. البته این موجودات با موجودات ذهنی کاملاً متفاوت هستند. زیرا موجودات ذهنی پس از آن که شخص به هر علتی از جمله خواب یا بیهوشی از آنها انصراف حاصل کرد از بین می‌روند، ولی موجودات اعتباری تابع اصول و قواعد عقلی هستند و شرط اساسی تحقق آنها اهلیت ایجاد کننده است.^۳ در معامله با خود، این اهلیت به موجب نمایندگی به شخص واحد که «نماینده» نامیده می‌شود، اعطا می‌شود و همان طور که می‌دانیم نمایندگی نوعی سلطه و تصرف در اموال اصیل است و معامله با خود نتیجه طبیعی آن می‌باشد.

از مجموع مطالب این فصل می‌توان چنین نتیجه گرفت که یک شخص واحد قادر است یک یا چند ایجاب و قبول را با هم و دفعتاً محقق سازد. به همین لحاظ اعلام ایجاب و قبولی یا به عبارت بهتر اعتبار کردن دو قصد انشای موجب و قابل توسط شخص واحد به نمایندگی نیز خالی از اشکال خواهد بود. ماده ۱۹۸ قانون مدنی نیز ضمن پذیرش این مطلب مقرر می‌دارد: «ممکن است طرفین یا یکی از آنها به وکالت از غیر اقدام بنماید و نیز ممکن است که یک نفر به وکالت از طرف

۱. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ اول، تهران، ۱۳۶۶، ص ۸۲.

۲. محمد جعفر جعفری لنگرودی، تأثیر اراده در حقوق مدنی، چ گیلان، تهران، ۱۳۴۰، ص ۱۹۱ به بعد.

۳. منبع پیشین، همان صفحه.

متعاملین این اقدام را به عمل آورد.»

بنابراین زمانی که نماینده قدرت می‌یابد تا در اموال دیگری تصرف نماید، این اختیار و قدرت را از جانب خود ندارد بلکه این سلطه، یا به موجب قانون و یا به موجب قرارداد به وی داده شده است، و اراده وی در حقیقت تجلی اراده طرفین است زیرا اراده نماینده به تنهایی قدرت آن را ندارد تا طرفین اصیل را به آثار و نتایج معامله صورت گرفته توسط او، پای‌بند نماید.

علاوه بر مراتب یاد شده، از نظریات و عقاید اکثریت فقها و علمای علم حقوق چنین بر می‌آید که آنها عقد بودن معامله با خود و تعدد اعتباری اراده‌ها را پذیرفته‌اند، لکن به دلیل خطرات این گونه معاملات برای اصیل و احتمال سوءاستفاده نماینده، اقتضای اطلاق نمایندگی را معامله با دیگران می‌دانند و نماینده را از معامله با خودش منع می‌کنند، مگر آن که اصیل چنین اختیاری را به وی داده باشد. اما در هر صورت بر عقد بودن معامله صحه گذاشته‌اند.^۱ پس بدون شک باید نظریه اخیر یعنی نظریه تعدد اعتباری را بر سایر نظریات ترجیح داد و آن را پذیرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. شهید ثانی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ج ۴، ج دوم، قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۵ و سید محمد عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۷، ص ۵۷ و دکتر محمود کاشانی، جزوه حقوق مدنی ۷، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۵۴.



ثروءشكاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی